



- 1 و چون مُهر هفتم را گشود، خاموشی قریب به نیم ساعت در آسمان واقع شد.
- 2 و دیدم هفت فرشته را که در حضور خدایستاده‌اند که به ایشان هفت کُرنا داده شد.
- 3 و فرشته‌ای دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با مَجْمَری طلا و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را به دعا‌های جمیع مقدّسین، بر مذبح طلا که پیش تخت است بدهد،
- 4 و دوید بخور، از دست فرشته با دعا‌های مقدّسین در حضور خدا بالا رفت.
- 5 پس آن فرشته مجمر را گرفته، از آتش مذبح آن را پر کرد و به سوی زمین انداخت و صداها و رعدها و برق‌ها و زلزله حادث گردید.
- 6 و هفت فرشته‌ای که هفت کُرنا را داشتند خود را مستعِدّ نواختن نمودند.
- 7 و چون اوّلی بنواخت تگرگ و آتش با خون آمیخته شده، واقع گردید و به سوی زمین ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر گیاه سبز سوخته شد.
- 8 و فرشته دوّم بنواخت که ناگاه مثال کوهی بزرگ، به آتش افروخته شده، به دریا افکنده شد و ثلث دریا خون گردید،
- 9 و ثلث مخلوقات دریایی که جان داشتند، بمردند و ثلث کشتیها تباہ گردید.
- 10 و چون فرشته سوم نواخت، ناگاه ستاره‌ای عظیم، چون چراغی افروخته شده از آسمان فرود آمد و بر ثلث نهرها و چشمه‌های آب افتاد.
- 11 و اسم آن ستاره را اُفسَنتین می‌خوانند؛ و ثلث آبها به اُفسَنتین مبدّل گشت و مردمان بسیار از آبهایی که تلخ شده بود مردند.
- 12 و فرشته چهارم بنواخت و به ثلث آفتاب و ثلث ماه و ثلث ستارگان صدمه رسید تا ثلث آنها تاریک گردید و ثلث روز و ثلث شب همچنین بینور شد.
- 13 و عقابی را دیدم و شنیدم که در وسط آسمان می‌پرد و به آواز بلند می‌گوید، وای وای بر ساکنان زمین، به سبب صدا‌های دیگر کُرنا‌ی آن سه فرشته‌ای که می‌باید بنوازند.